

تصحیح چند خطا در ترجمه اشعار عربی

سهیل یاری گل‌دره

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی
soheil.yari6@gmail.com

یکی از کتاب‌های ارزشمند تألیف شده در موضوع امثال و حکم منظوم عربی، کتاب امثال و حکم عبدالقادر رازی (متوفای ۶۶۶ ق) است. این کتاب به همت دکتر فیروز حریرچی ترجمه و چاپ شده است؛ لکن مع الأسف اغلاط و سهوهای فراوانی در چاپ و ترجمه ایشان یافت می‌شود که به هیچ وجه زیبنده نیست. شایسته است که چاپ تازه‌ای از کتاب با رفع کاستی‌های پیشین صورت بگیرد. در اینجا به برخی از آن کاستی‌ها اشاره می‌شود:

ص ۱۴۳. یُوَاسِي الْغُرَابُ الذُّبَّ فِي كُلِّ صَيْدٍ... در این مصراع از آنجا که اعراب «الغراب» و «الذُّب» جابجا شده، یعنی «الغراب» و «الذُّب» آمده، در ترجمه نیز سهوی حادث شده است، استاد حریرچی چنین ترجمه کرده است: «گرگ در هر شکاری زاغ را یاری می‌کند...» (ص ۱۶۴-۱۶۵). سپس نوشته‌اند: «این مثل در مخالفت میان دو تن به کار برده می‌شود!»؛ که عکس آن صادق است و برای موافقت میان دو تن به کار می‌رود.

ص ۲۱۰. ... وَ بَقِيْتُ فِي خَلْفِ كَجَلِدِ الْأَجْرِبِ: من هم در پس آنها چون شتر گر، تنها مانده‌ام.
«فی خلف» در اینجا- همانگونه که لغویان بزرگ عرب گفته‌اند- به معنای همان «ناخلف» است که در فارسی به کار می‌رود، در حالی که دکتر حریرچی آن را «در پس»! ترجمه کرده است؛ و نیز «كَجَلِدِ الْأَجْرِبِ» متعلق به «خلف» است

۱ نگارنده این سطور پیشترها در یادداشتی که در سایت میراث انتشار یافت تعدادی از اغلاط مربوط به ترجمه این کتاب را احصا و بیان کرد. در اینجا چند لغزش دیگر مترجم کتاب در ترجمه ابیات آورده می‌شود.

نه به ضمیر متکلم موجود در «بقيت».

ص ۲۹۹. وَ مِنْ فَرَحِ النَّفْسِ مَا يَقْتُلُ: برای نفس شادی همان چیزی است که نفس را می‌ستاند.

ترجمه مذکور گنگ و نارسا است. معنای سر راست مصراع چنین است: بعضی از شادی‌ها موجب مرگ می‌شود.

ص ۳۴۱. كَطَالِبِ الصَّيْدِ فِي عَرِيْسَةِ الْأَسَدِ: «عریسه» را به «بیشه» ترجمه کرده‌اند، درست آن است که به «کنام» ترجمه شود. و «در مثل هر چیز و جای بلند و دست نیافتنی را به کنام شیر مانند کنند» (ثعالبی، ۱۳۷۶: ۳۶۹).

ص ۳۵۱. وَ مِنْ الْعَجَائِبِ أَعْمَشُ كَحَالٍ: از شگفتی- هاست که ضعیف چشم، سرمه بسیار کشد.

«كَحَالٍ» در اینجا به معنای «چشم‌پزشک» است، نه کسی که سرمه بسیار بکشد. اینکه کسی چشمان ضعیفی داشته باشد و سرمه بکشد که تعجب‌انگیز نخواهد بود!، بلکه با توجه به خواص پزشکی سرمه، می‌بایست موجب تقویت نور چشم شود.

استاد دکتر رضا انزابی نژاد در ترجمه ترکیب «إطراق الشُّجَاعِ» موجود در بیت شاعری به نام «مُتَلَمَّس» در ثمار القلوب ثعالبی چنین نوشته است:

إطراق الشُّجَاعِ: عرب در خاموش ماندن و سکوت کردن گوید: فلان مانند دلاوران سکوت و خاموشی گزید. مُتَلَمَّسُ گفته: فاطرَقَ إطراقَ الشُّجَاعِ وَ لَوِيْرِي / مَسَاغًا لِنَابِيهِ الشُّجَاعُ لَصَمَّهَا: سکوت کرد، چنانچه مرد دلاور سکوت کند. اما اگر همین مرد شجاع مجالی برای سخن گفتن می‌یافت [گوش مخاطب خود را] کر می‌کرد (ثعالبی، ۱۳۷۶: ۳۵).

استاد انزابی نژاد «الشُّجَاعِ» را «دلاور» پنداشته و بیت را چنان معنا کرده است، در حالی که یکی از معانی «شُّجَاعِ» که تقریباً تمامی قوامیس و معاجم به آن اشاره کرده‌اند، «مار» است. «الشُّجَاعِ: الْحَيَّةُ» (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۳/ ۲۴۸؛ ازهری، ۲۰۰۱: ج ۱۳/ ۱۲۰).

جاحظ در کتاب ارزشمند الحيوان، (۱۴۲۴: ج ۴/ ۳۹۲) آنجا که (با عنوان «القول في الحيات») اشعاری درباره «مار» آورده، به بیت مذکور نیز اشاره کرده است. ثعالبی نیز در التَّمثِيلُ وَ الْمُحَاضِرَةُ (۲۰۰۳: ۲۲۴) در مدخل «الحيّة و

- ثعالبی، ابومنصور، ۱۳۷۶، ترجمه ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب ابو منصور ثعالبی، ترجمه رضا انزابی نژاد، چاپ اول، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ثعالبی، ابومنصور، ۲۰۰۳، التمثیل و المحاضرة، تحقیق عبد الفتاح محمد الحلو، الطبعة الثانية، ریاض: الدار العربية للكتاب.
- جاحظ، عمرو بن بحر، ۱۴۲۴ق، الحیوان، تصحیح: محمد باسل عیون السود، ۴ج (هفت جلد در چهار مجلد)، الطبعة الأولى، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- رازی، عبدالقادر، ۱۳۹۰، امثال و حکم، تصحیح و ترجمه فیروز حریرچی، چاپ چهارم، دانشگاه تهران.
- شریشی، ابی عباس أحمد، ۱۴۲۷ق، شرح مقامات الحریری، مصحح: ابراهیم شمس الدین، ۳ج، الطبعة الثانية، بیروت: دار الکتب العلمیة.

العقرب» (مار و گزدم) این بیت را آورده است. شریشی نیز در شرح مقامات حریری (۱۴۲۷: ج ۳/۲۱۴) در شرح این عبارت: «فأطرق أبو زید إطراق الشجاع» نوشته است که «الشجاع: الحیة». باری، در بیت مذکور «الشجاع» به معنای «مار» است، نه «دلاور».

فهرست منابع

- ابن فارس، ۱۴۰۴ق، معجم مقاییس اللغة، مصحح: استاد عبدالسلام هارون، ۶ج، الطبعة الأولى، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- زهری، أبو منصور، ۲۰۰۱م، تهذیب اللغة، تحقیق: محمد عوض مرعب، ۱۵ج، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.



ضیاء الشهاب

ضیاء الشهاب

شرح فارسی شهاب الأخبار قاضی قضاعی
(دوره هشتم ۵۴۵ هـ. ق.)

از
شارحی ناشناخته
(احتمالاً از سده هفتم هجری)

تصحیح و تحقیق
جویا جهانبخش
حسن عاطفی عباس سینا

این اثر شرحی است فارسی بر کتاب شهاب الأخبار اثر قاضی قضاعی (د. ۴۵۴ هـ ق) که احتمالاً در حدود سده هفتم به نگارش درآمده است. متأسفانه نام شارح آن بر ما پوشیده است، اما می‌توان گفت او از دانشمندان اهل تسنن بوده و در حدیث پژوهی و حدیث‌شناسی دستی داشته و شرح او برتری‌های آشکار فنی بر سه ترجمه و شرح فارسی دیگر شهاب که تاکنون انتشار یافته است، دارد.

ضیاء الشهاب همچنین از جهت برخورداری از پاره‌ای واژگان و ساختارهای دستوری کهن و گاه نادر، واجد اهمیت است. تصحیح این شرح بر پایه یگانه دست‌نوشته شناخته شده آن، که متعلق به آقایان حسن عاطفی و عباس بهنیا است، به اهتمام مشترک مصححان (جویا جهانبخش، حسن عاطفی، عباس بهنیا) صورت گرفته است.